

پاره‌های ایران شناسی

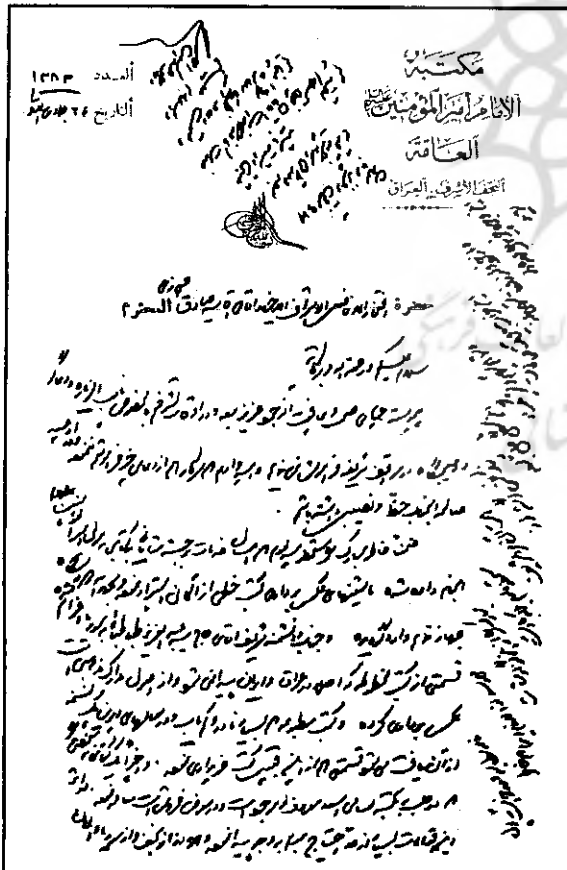
۲۰۹- مناجات شیخ بهائی در توسل به ۱۴ معصوم

دل‌تابه‌کی از در دوست دوری
گرفتار دام سرای غروری
نه در دل ترا از غم دوست دردی
نه بر چهره از خاک آن کوی گردی
ز گلزار معنا نه رنگی نه بویی
در این کهنه گنبد نه‌هایی نه هویی
همه کار تو سربه سر خاکبازی
نه عشق حقیقی، نه عشق مجازی
ترا خواب غفلت گرفته است در بر
چه خواب گرانی ست الله اکبر
چرا عاجز و این چنین بینوایی
بکن جست و جویی بزن دست و پای
سوال علاج از طبیبان دین کن
توسل به ارواح آن طبیبان کن
دو دست دعا را برآور به زاری
همی گو به صد عجز و صد خاکساری
الهی به خورشید اوج هدایت
الهی به اعجاز شاه ولایت
الهی به زهرا، الهی به سبطین
که می خواندشان مصطفی قره‌العین
الهی به سجاد آن معدن حلم
الهی به باقر شه کشور علم
الهی به صادق امام اعظام
الهی به اعجاز موسی کاظم
الهی به شاه رضا قبله‌ی دین
به حق تقی خسرو ملک تمکین
الهی به حق نقی شاه لشکر
به آن عسکری کز فلک داشت عسکر
الهی به مهدی که سالار دین است
سر پیشوایان راه یقین است

که بر جان زار بهایی عاصی
سر دفتر اهل جرم و معاصی
که در دام نفس و هوی اوفتاده
به لهو و لعب عمر بر باد داده
ببخشا و از چاه حرمان بر آرش
به بازار محشر مکن شرمسارش
برون آرش از خجالت و روسیاهی
الهی الهی الهی الهی

۲۱۰- نامه‌ی از مؤلف الغدیر

علامه شیخ عبدالحسین امینی تبریزی (تبریز ۱۳۲۰ ق - نجف ۱۳۹۰ قمری)، مؤلف الغدیر، فقیه، محدث و خطیبی پرکار بود که نمونه‌ی آثار او کتاب یازده جلدی الغدیر و کتاب شهداء الفضلیه (شهیدان راه فضیلت) است. نامه‌ی دستنویس حاضر، نمونه‌ی خط آن بزرگوار است که هفت سال پیش از فوت خود از نجف خطاب به آقای سید صادق حجازی نوشته و طی آن اشاراتی به خدمات دانشمند نسخه شناس معروف مرحوم سید عبدالعزیز طباطبایی کرده است:



۲۱۱- دکتر محمد خوانساری

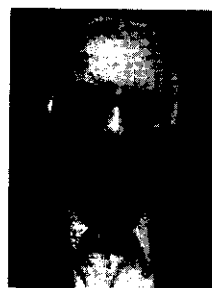
آموزگار منطق صوری

استاد دکتر محمد خوانساری (اصفهان

۱۳۰۰-تهران ۱۳۸۸) استاد فلسفه، منطق

و حکمت تحصیلات مقدماتی را از

مکتب‌خانه‌های اصفهان و مدارس علمیه



نزد استادان آن ایام آغاز کرد و پس از طی دوره‌ی ابتدایی در مدرسه‌ی ایران، دوره‌ی متوسطه را در دبیرستان سعدی اصفهان به پایان رساند.

در سال ۱۳۱۹ به اخذ دیپلم دانشسرای مقدماتی اصفهان نایل شد. از آن‌جا که رتبه‌ی دوم را دارا بود، برای ادامه‌ی تحصیل در دانشسرای عالی به تهران آمد.

پس از پایان دوره‌ی دانشسرای عالی، تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته‌ی فلسفه آغاز کرد و نزد استادانی چون جلال‌الدین همایی و محمدتقی مدرس رضوی، رضا رضازاده شفق، ملک‌الشعراى بهار، عباس اقبال آشتیانی، محمد معین، یحیی مهدوی و علی‌اکبر سیاسی کسب علم کرد و منطق و حکمت طبیعی را در محضر فاضل تونی آموخت.

در سال ۱۳۲۳ از رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی فارغ‌التحصیل شد. سپس با کمک دکتر یحیی مهدوی به استخدام آموزش و پرورش درآمد و سه سال بعد، به دعوت دکتر علی‌اکبر سیاسی - رئیس دانشگاه تهران - به عنوان دبیر دانشگاه، مسوولیت آزمایشگاه روانشناسی و تدریس روانشناسی تربیتی را عهده‌دار شد و سپس در دانشگاه تهران به تدریس روانشناسی و عربی و فلسفه و منطق پرداخت. هم‌زمان با تدریس، مشغول تحصیل در رشته‌ی ادبیات فارسی شد. در سال ۱۳۲۹ لیسانس و در سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ موفق به گذراندن تمامی دروس دوره‌ی دکترای ادبیات شد. وی رساله‌ی خود را با عنوان «توصیف کیفیات نفسانی در مثنوی مولانا» به راهنمایی استاد بدیع‌الزمان فروزانفر به رشته‌ی تحریر درآورد. از استادان بنام ایشان در این دوره می‌توان از مرحومان بدیع‌الزمان فروزانفر، جلال‌الدین همایی، احمد بهمنیار، میرزا عبدالعظیم خان قریبه ابراهیم پورداود، دکتر صادق کیا و دکتر حسین خطیبی نام برد.

در سال ۱۳۳۷ برای تکمیل مطالعات خود به فرانسه رفت. درس اصلی ایشان در این مدت منطق ارسطویی بود که از محضر پروفیسور پواریه آموخت. ژان وال، ژانکلویج و برنشویگ از دیگر

استادان وی بودند. موضوع معرفت‌شناسی تکوینی را با حضور در کلاس‌های پروفیسور پیازه نظریه‌پرداز و روانشناس نامدار سوئیسی پی گرفت و در سال ۱۳۴۰ به اخذ درجه‌ی دکترا از دانشگاه سوربن پاریس در منطق و فلسفه نایل آمد. پس از بازگشت به ایران، به عنوان استاد روانشناسی و علوم تربیتی و ادبیات عرب و منطق در دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد.

وی از همان سال‌های اول دبیرستان، هم‌زمان با کسب علوم کلاسیکه به تحصیل زبان عرب و علوم دینی نیز همت گمارد و در جلسات درس چند تن از علمای طراز اول اصفهان و دارای درجه‌ی اجتهاد، اصول عقاید، اخلاق و دیگر علوم مرتبط را آموخت. قسمتی از شرح منظومه‌ی حاجی سبزواری و بخشی از شرح اشارات را هم در محضر علامه ذوقنون میرزا ابوالحسن شعرانی فراگرفت و بعدها در مقابله و تصحیح کتاب مصباح‌الهدییه با استاد همایی همکاری داشت. در سال ۱۳۶۱ به درخواست خود بازنشسته شد و در سال ۱۳۷۰ از سوی شورای انقلاب فرهنگی به عضویت پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی درآمد.

از دیگر افتخارات او می‌توان به چهره‌ی ماندگار سومین همایش چهره‌های ماندگار در سال ۱۳۸۲ و برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در گروه فلسفه، برای ترجمه‌ی کتاب ایساغوجی در سال ۱۳۸۴ اشاره کرد.

آثار: منطق صوری (جلد اول)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۸

مختارات من الادب الحدیث (با همکاری مرحوم دکتر محمد خزائلی)، تهران: انتشارات احمد علمی، ۱۳۴۳.

منطق صوری (جلد دوم)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۲

صرف و نحو و اصول تجزیه و ترکیب، تهران: ناهید، ۱۳۸۲
ایساغوجی، تالیف فرفورویوس و مقولات تصنیف ارسطو، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۳ (برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران)

فرهنگ اصطلاحات منطقی (به انضمام فرانسه و انگلیسی)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۶
ایقاظ النائمین، ترجمه از آثار ملاصدرا، تهران: بنیاد حکمت

صدر، ۱۳۷۸
منطق به همراه ترجمان احوال فاضل تونی، تهران: مولی، ۱۳۸۶.

۲۱۲- شعر فریدون مشیری برای داریوش فروهر

پس از قتل پروانه و داریوش فروهر، چندین تن از شاعران ایران برای آن‌ها سوگیدهایی ساختند، از جمله:

الف. فریدون مشیری (۱۳۰۵-۱۳۷۹)، به سبک شاهنامه‌ی فردوسی، این رثائیه‌ی حماسی را ساخت:

یلی بود آن سرور ارجمند
 نماد حماسه، ستون سهند
 به بالا همانند سهراب گرد
 ز پیکار می‌گفت و پا می‌فشرد
 که باید برانداخت بیخ بدی
 سراپا همه فرّه‌ی ایزدی
 دلیری همه عمر ایران‌پرست
 درفش گران قدر ایران به دست
 چو کوهی گران بود در سنگرش

که در راه ایران چه ارزد سرش
 دریغا دریغا دریغا دریغ

که اهریمنان برکشیدند تیغ
 به مأوای آن یل شبیخون زدند
 به نامردمی دشنه در خون زدند
 سحر در گشودند از آن قتلگاه
 به خون غرقه دیدند خورشید و ماه
 مشبک تن از خنجر کین شده

تن همسرش دشنه آجین شده
 کجا می‌توان برد این درد را
 ستمکاری ناجوانمرد را

بگیر ای جوان جای سرو سهی
 که سنگر نباید بماند تهی
 درفش سرافراز را برفراز
 که تا جاودان باد در اهتزاز

ب. صاحب این قلم نیز گفت:

یاد آورم هر دم شهیدان وطن را، جان بر کفان کشته‌ی خونین
 کفن را
 مختاری و پوینده، یاران کهن را، وز دشنه در قلب فروهر
 می‌نویسم

۲۱۳- تصویر و خط مشاهیر

الف. از راست: دکتر امیر انوشیروان (وکیل دادگستری)، سید حسن امین، دکتر رضانعلی قاسمی (مؤسس دراگ استور تخت جمشید)، دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی (استاد تاریخ)، محمد ابراهیم حسینجانی (تاجر فرش):



ب. حسین آهی، شاهرخی، امین، گازرانی، حمید سبزواری، کهربایی، علیرضا تبریزی، مهدیانی (مکان: مسجد خیابان بهار تهرانتپارس):

